



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پژوهشکده تاریخ

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ

گرایش ایران اسلامی

مناصب شهری ایران در دوره سلجوقی

استاد راهنما
دکتر شهرام یوسفی فر

استاد مشاور
دکتر احسان اشراقی

پژوهشگر

صابره آزاده

آبان ماه ۱۳۹۰

بہ نام بی نام او



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

باسمه تعالی

هیأت داوران در جلسه مورخ ۱۳۹۰/۰۸/۰۲

پایان نامه تحصیلی خانم صابره آزاده دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

تحت عنوان:

مناصب شهری در ایران دوره سلجوقی

را بررسی کردند و پایان نامه با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

۱. استاد راهنمای پایان نامه، آقای دکتر شهرام یوسفی فر با مرتبه علمی دانشیار

۲. استاد مشاور پایان نامه، آقای دکتر احسان اشراقی با مرتبه علمی استاد

۳. استاد داور پایان نامه، آقای دکتر امامی خویی با مرتبه علمی استادیار

امضا

امضا

امضا

امضای رئیس پژوهشگاه

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت تحصیلات تکمیلی

سپاسگذاری

مطالعه و جوه مختلف مناصب شهری و میزان تأثیرگذاری آنها بر امکان اداره مستقل شهر در دوره سلجوقی، دغدغه‌ای بود که در طول راه رسیدن به پاسخ آن، وجوه مختلفی از زندگی و میزان تأثیرگذاری آنها را بر امکان زیستن تجربه کردم. فراز و فرودهای این تجربه، اگرچه من را برای مدتی طولانی از پرداختن به دغدغه‌ام بازداشت، اما سرانجام توانستم بر آن فراز و فرودها چیره شوم و در پی پاسخ مسأله‌ام به چنین روزی برسم.

برای اینکه بتوانم این پژوهش را به این مرحله برسانم، پیش از هر کسی سپاسگذار استاد راهنمای بزرگوام، جناب آقای دکتر شهرام یوسفی فر هستم که نه تنها در تمام مراحل انجام کار با نظرات ارزشمندشان مرا راهنمایی کردند، که نیز با سخنانشان، همواره قوت قلبی در شرایط سخت بودند. همچنین باید مراتب سپاسگذاری خود را از استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر احسان اشراقی که از راهنمایی‌های ایشان بهره بردم، اظهار دارم. در اینجا شایسته می‌دانم از دوستان خوبم در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نهایت تشکر را داشته باشم که از هیچ یاری به من دریغ نکردند: سرکار خانم پروانه نیک‌طبع که فایل‌های تایپ شده و دست‌نویس‌های خود را از «منشآت دیوان سلاطین ماضی»، که بنا به انتشار آن دارند، در اختیار من گذاشتند. سرکار خانم دکتر اعظم ریاحی که در مشکلاتی که در مراحل از کار پیش آمد، صبورانه مرا یاری رساندند و سرکار خانم فریبا کاظم‌نیا که از کمک‌های دلسوزانه ایشان بهره بسیار بردم.

در آخر، از خانواده‌ام به ویژه مادر و خواهرم، سپاسگذارم که بدون حمایت‌های مادی و معنوی آنها به سرانجام رساندن پژوهش حاضر بعید می‌نمود.

فهرست مطالب

فصل اول: کلیات طرح پژوهش.....	۱
۱. کلیات طرح پژوهش.....	۲
۱-۱. مسأله پژوهش.....	۲
۲-۱. سؤالات پژوهش.....	۳
۳-۱. فرضیه‌های پژوهش.....	۳
۴-۱. مباحث نظری پژوهش.....	۴
۵-۱. قلمرو پژوهش.....	۵
۶-۱. موانع پژوهش.....	۶
۷-۱. تعریف مفاهیم.....	۷
۸-۱. پیشینه پژوهش.....	۸
۹-۱. روش اجرای پژوهش.....	۹
۱۰-۱. نگاهی به منابع، اسناد و پژوهش‌ها.....	۱۰
۱-۱۰-۱. منابع.....	۱۰
۲-۱۰-۱. اسناد.....	۱۷
۳-۱۰-۱. پژوهش‌ها.....	۳۰
۱۱-۱. ساختار پژوهش حاضر.....	۳۱
فصل دوم: منصب رئیس.....	۳۲
۲. منصب رئیس.....	۳۳
۱-۲. معنای لغوی و اصطلاحی.....	۳۴
۲-۲. منصب رئیس در دوره غزنوی.....	۳۶
۳-۲. منصب رئیس در دوره سلجوقی.....	۴۱
۱-۳-۲. ویژگی‌های منصب رئیس.....	۴۲

- ۲-۳-۲. وظایف رئیس..... ۴۶
- ۲-۳-۳. دیوان معامله و قسمت - دیوان ریاست..... ۵۰
- ۲-۳-۴. رابطه منصب رئیس با دیگر مناصب شهری..... ۵۱
- ۲-۳-۴-۱. رابطه منصب رئیس با مناصب دینی: قاضی - متولی اوقاف - محتسب..... ۵۲
- ۲-۳-۴-۲. رابطه منصب رئیس با مناصب مالی: مستوفی - مشرف - عامل..... ۵۵
- ۲-۳-۴-۳. رابطه منصب رئیس با منصب نظامی: شِحنه..... ۵۸
- ۲-۳-۴-۴. رابطه منصب رئیس با والی - اقطاع دار و اقطاع دار..... ۵۹
- ۲-۳-۴-۵. رابطه منصب رئیس با معمار..... ۶۰
- ۲-۳-۴-۶. رابطه منصب رئیس با حکومت مرکزی..... ۶۱
- ۲-۴. کارکردهای منصب رئیس..... ۶۱

فصل سوم: منصب عامل..... ۶۳

۳. منصب عامل..... ۶۴
- ۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی..... ۶۴
- ۳-۲. مناصب مرتبط با منصب عامل..... ۶۵
- ۳-۲-۱. عمید..... ۶۵
- ۳-۲-۲. صاحب دیوان..... ۶۸
- ۳-۳. منصب عامل در دوره غزنوی..... ۷۳
- ۳-۴. منصب عامل در دوره سلجوقی..... ۷۵
- ۳-۴-۱. ویژگی‌های منصب عامل..... ۷۶
- ۳-۴-۲. وظایف منصب عامل..... ۷۷
- ۳-۴-۳. دیوان عمل..... ۸۳
- ۳-۴-۴. رابطه منصب عامل با دیگر مناصب شهری..... ۸۳
- ۳-۴-۴-۱. رابطه منصب عامل با مناصب دینی: قاضی - متولی اوقاف..... ۸۴
- ۳-۴-۴-۲. رابطه منصب عامل با مناصب مالی: مستوفی - مشرف..... ۸۵
- ۳-۴-۴-۳. رابطه منصب عامل با منصب محلی: رئیس..... ۸۷

- ۸۸..... ۴-۴-۴-۳. رابطهٔ منصب عامل با منصب نظامی: شِحنه.
- ۸۸..... ۵-۴-۴-۳. رابطهٔ منصب عامل با والی و والی-اقطاع دار.
- ۹۰..... ۶-۴-۴-۳. رابطهٔ منصب عامل با حکومت مرکزی.
- ۹۱..... ۵-۳. کارکردهای منصب عامل.

فصل چهارم: منصب شِحنه..... ۹۲

- ۹۳..... ۴. منصب شِحنه.
- ۹۳..... ۱-۴. معنای لغوی و اصطلاحی.
- ۹۳..... ۲-۴. منصب شِحنه در دورهٔ غزنوی.
- ۹۷..... ۳-۴. منصب شِحنه در دورهٔ سلجوقی.
- ۹۷..... ۱-۳-۴. ویژگی‌های منصب شِحنه.
- ۱۰۳..... ۲-۳-۴. وظایف منصب شِحنه.
- ۱۱۰..... ۳-۳-۴. دیوان شِحنگی.
- ۱۱۰..... ۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با دیگر مناصب شهری.
- ۱۱۱..... ۱-۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با مناصب دینی: قاضی - متولی اوقاف - محتسب.
- ۱۱۲..... ۲-۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با مناصب مالی: عامل.
- ۱۱۳..... ۳-۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با منصب محلی: رئیس.
- ۱۱۳..... ۴-۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با والی.
- ۱۱۴..... ۵-۴-۳-۴. رابطهٔ منصب شِحنه با حکومت مرکزی.
- ۱۱۴..... ۴-۴. کارکردهای منصب شِحنه.

نتیجه..... ۱۱۷

پیوست‌ها..... ۱۱۹

- ۱۲۰..... پیوست یکم (فرمان‌های صادر شده جهت واگذاری منصب رئیس).

پیوست دوم (فرمان‌های صادر شده جهت واگذاری منصب عامل) ۱۳۵

پیوست سوم (فرمان‌های صادر شده جهت واگذاری منصب شِحنه) ۱۴۵

منابع و مآخذ ۱۵۹

الف) اسناد ۱۶۰

ب) منابع ۱۶۰

ج) پژوهش‌ها ۱۶۲

چکیده:

دوره سلجوقیان (۴۴۷-۵۹۰ هـ ق) در تاریخ ایران به دلیل بروز تحولات عمیق سیاسی و اجتماعی از ابعاد مختلفی در خور مطالعه است. از جمله عرصه‌های مهم تغییرات اجتماعی این دوران به تحولات نهادها و تأسیسات شهری این دوران مربوط می‌شود. زیرا به دلیل گستردگی قلمرویی که سلجوقیان بر آن حکم می‌راندند و شیوه‌های کشورداری و روابط درونی مناسبات قدرت در نزد این حکومت، در شهرهای مختلف قلمرو آنان شرایط مناسبی برای تجربه نمودن دوره‌ای از رشد و تکامل نهادهای سیاسی- اجتماعی متناسب با اداره امور محلی آن شهرها بدست آمد. در این میان نقش نخبگان محلی که در امور مدیریتی و اجرایی شهرها مشارکت داشتند قابل مطالعه است. زیرا از یک سو نخبگان محلی به عنوان حلقه‌های وصل کننده جوامع شهری به حکومت سلجوقیان محسوب می‌شدند و از سوی دیگر نقش و کارکرد آنان به عنوان متصدیان مقامات مختلف در شهرها نشانگر میزان برخورداری جوامع از امکان اداره مستقل آن جوامع بود. در پژوهش حاضر بررسی نقش، وظایف و کارکرد مناصب شهری در دوره سلجوقیان مورد نظر قرار دارد.

کلید واژگان: دوره سلجوقیان، مناصب شهری، نخبگان محلی، رئیس، عمید، عامل، شیخه

کلیات طرح پژوهش

مسأله

۱. کلیات طرح پژوهش

۱-۱. مسأله پژوهش:

یکپارچگی سیاسی حکومت سلجوقی و دوران ثبات و آرامش جامعه ایران، بعد از مرگ خواجه نظام الملک طوسی و سلطان ملکشاه سلجوقی (۴۸۵ هـ ق)، به پایان رسید و با منازعاتی که بر سر جانشینی سلطان ملکشاه میان فرزندان او در گرفت و همچنین لشکرکشی‌های دائمی که از جانب سلاطین و ملوک سلجوقی علیه یکدیگر انجام می‌شد، دوران کشاکش سیاسی - نظامی و گسترش ناامنی در جامعه آغاز شد. اما، شکل اداره حکومت سلجوقی که در آن گرایش به واگذاری اقطاع، امری رایج بود، تداوم پیدا کرد؛ به گونه‌ای که بخش بزرگی از قلمروی سلجوقی به شکل اقطاعات واگذار شد و دیگر در حوزه اختیارات حکومت مرکزی قرار نداشت. صاحبان اقطاعات که تا حدی در نواحی واگذار شده، اختیار عمل داشتند، فرستادگان حکومت مرکزی در آن نواحی بشمار می‌رفتند و از آنها خواسته شده بود تا مأموران مالی و نظامی جهت اقطاع خود بگمارند. از سوی دیگر در دوره ثبات و آرامش جامعه ایران، شکوفایی اقتصادی در شهرها که از نیمه قرن چهارم هـ ق و تحت تأثیر رشد مناسبات سرمایه‌ای و تولیدات خرده‌کالایی آغاز شده بود، تأثیر بسزایی بر جایگاه و نقش سیاسی، اجتماعی و اقتصادی گروه‌های شهری دوره سلجوقی که صاحبان سرمایه و تولیدکنندگان کالا بودند، گذاشت. امری که موجبات بازتعریف و بازسازی مناسبات و سازمان قدرت سیاسی را در راستای گرایش‌های گروه‌های شهری که خواهان اداره و هدایت خیرخواهانه جامعه توسط حاکمی عادل و قدرتمند که توانایی تشخیص و تأمین منافع سیاسی - اجتماعی آن گروه‌ها را داشته باشد، فراهم کرد. به صورتی که حکمران و عوامل حکومت مرکزی توانستند، نظارت و هدایت بیشتری بر مناسبات مالی، روابط حقوقی و تأمین امنیت اقتصادی و اجتماعی اعمال کنند.

در پژوهش حاضر سه منصب شهری (رئیس - عامل - شیخه) مورد بررسی قرار می‌گیرد. این مناصب از سه جنبه در جامعه شهری دوره سلجوقی حائز اهمیت بودند. یکم اینکه از جانب حکومت مرکزی

منصوب می‌شدند دوم اینکه با اداره شهر و سامان دادن به امور مالی و برقراری امنیت اقتصادی و اجتماعی محلی سر و کار داشتند و سوم اینکه در ارتباط تا حدی مستقیم با گروه‌های شهری بودند. سه ویژگی مزبور، موقعیت این مناصب شهری را به گونه‌ای رقم زد که به عنوان حلقه‌های ارتباطی میان جامعه و حکومت مرکزی قرار گرفتند.

حال، با توجه به این که نقش و کارکرد صاحبان مناصب و مقامات شهری در دوره سلجوقی بیش از ادوار پیش در منابع انعکاس یافته‌است، آیا این امر تحت تأثیر تحولات جاری در ساختار سیاسی سلجوقیان و گرایش به واگذاری اختیارات بیشتر به نمایندگان خود در شهرها بود و یا اینکه به تحولات درونی در ساختار شهرها بازمی‌گشت؟

۲-۱. سؤالات پژوهش:

بر اساس مسأله‌ای که در بالا شرح داده‌شد، سؤالات پژوهش چنین مطرح می‌شود:

الف) مناصب اصلی شهرهای دوره سلجوقیان کدام‌ها بودند؟

ب) نقش و کارکرد اصلی هر یک از مناصب شهری چه بود؟

ج) نقش و کارکرد هر یک از مناصب شهری تا چه اندازه نشانگر رشد نهادهای محلی در کانون‌های شهری آن دوران بود؟

۳-۱. فرضیه‌های پژوهش:

مفروضات پژوهش حاضر به شرح زیر می‌باشد:

الف) مناصب اصلی شهرهای دوره سلجوقی، در مناصب مربوط به اداره شهر خلاصه می‌شد: منصب رئیس که هماهنگ‌کننده مناسبات اداری شهر بود، منصب عامل که با امور مالیاتی شهر سر و کار داشت و منصب شحنه که امور نظامی شهر بر عهده او بود.

ب) نقش و کارکرد اصلی هر یک از مناصب مورد نظر در راستای تحقق امر اداره و حفظ منافع رعایا، جمع‌آوری و هزینه‌کرد مالیات‌ها، حفظ نظم و امنیت در جامعه شهری استوار بود.

ج) اهمیت یافتن موقعیت و نقش رئیس در شهرها نشانگر افزایش نقش نخبگان محلی در اداره امور شهری بود. همچنین، فعالیت منصب عامل تحت نظارت حکومت مرکزی و به عنوان آخرین حلقه نظام مالی که در ارتباط با رعایا قرار داشت نشان از شکل‌گیری نظارت و هدایت حکومت مرکزی بر

مناسبات مالی شهرها داشت. تحولات در منصب شیخه نیز، نشانگر رشد موقعیت این منصب در برقراری نظم و امنیت در شهر و واگذاری بخشی از اختیارات حکومت به این منصب بود.

۴-۱. مباحث نظری پژوهش:

در پژوهش حاضر، رویکرد نظری که برای شناخت تأثیر مناصب شهری در رشد نهادهای محلی در کانونهای شهری دوره سلجوقی اتخاذ شده است، بر اساس برداشت‌هایی از مجموعه نظریه‌های پیرامون «نقش» و «کارکرد» در حوزه علوم اجتماعی استوار است. «نقش» رفتاری است که در یک زمینه اجتماعی و با ایفای آن توسط فرد معنا می‌یابد و به وظایفی که سایر نقش‌ها از آن انتظار دارند، تحقق می‌بخشد. همچنین، یک نقش دارای حقوقی است که از جانب نقش‌های دیگر به آن پاسخ داده می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان حقوق یک نقش را وظایف نقش دیگر دانست. علاوه بر این، هر نقش از ویژگی‌های فرد ایفا کننده آن نقش تأثیر می‌پذیرد. این در حالیست که این ویژگی‌ها در به انجام رسانیدن وظایف آن نقش مؤثر می‌باشد.

از آنجایی که انتظام نظام اجتماعی در یک جامعه و در شرایط و موقعیت‌های گوناگون بر عهده نقش‌هاست، تحقق وظایف یک نقش موجب پیدایش رضایتمندی در نظام اجتماعی می‌گردد. بررسی ویژگی‌ها و وظایف یک نقش، چگونگی پیوند و ارتباط آن نقش با سایر نقش‌ها را نمایان ساخته، کارکردهای آن نقش را آشکار می‌گردد.^۱ از سوی دیگر، سهم هر نقش در دوام جامعه با مطالعه کارکردهای آشکار و پنهان آن نقش امکان‌پذیر می‌شود. منظور از کارکرد آشکار، نتایج وظایف و فعالیت‌هایی است که برای نقش شناخته شده و مورد انتظار است. کارکرد پنهان، اما، به نتایجی گفته می‌شود که، نقش از آن آگاهی ندارد.^۲ همچنین، شبکه هماهنگ نقش‌ها، که مجموعه‌ای از روابط و مناسبات میان نقش‌هاست، به همراه اهداف و ارزش‌های مشترک آن نقش‌ها باعث استحکام جامعه می‌گردد.

در رویکرد این پژوهش، شناخت وظایف مناصب شهری و در پی آن کارکردهای آن مناصب به عنوان نقش‌های جامعه دوره سلجوقی که هر یک دارای ویژگیهای خاص خود بودند، سهم هر منصب را در دوام جامعه نمایان می‌کند. به عبارت دیگر، با مطالعه وظایف و کارکرد هر یک از مناصب شهری می‌توان میزان تأثیر گذاری آن منصب در رشد نهادهای محلی در کانونهای شهری آن دوره و حفظ آن نظام شهری را تبیین کرد. بدین ترتیب، با چنین رویکردی می‌توان مطالعه‌ای نظام‌مند پیرامون

1. Biddle, Bruce J. «Role Theory». pp. 2415 – 2416.

۲. گیدنز، جامعه‌شناسی، صص ۷۵۵ و ۷۵۶.

مناصب شهری، وظایف آنها و کارکردهایشان انجام داد و به شناخت سهم آنها در رشد نهادهای محلی نائل آمد.

۱-۵. قلمرو پژوهش:

پژوهش حاضر، شهرهای ایرانی واقع در قلمروی سلجوقیان را که به شکل نسبی بر کل فلات ایران حکمرانی می‌کردند و در دوره حکومت آن سلسله در ایران، یعنی از سال ۴۴۷ هـ ق تا سال ۵۹۰ هـ ق را در بر می‌گیرد. از آنجایی که داده‌های تاریخی در مورد برخی از مناصب شهری مانند منصب شِحنه و مقام عمید در عراق و به ویژه شهر بغداد، به نسبت شهرهای ایران افزون‌تر بود و نیز از آنجایی که به هر حال سلاطین سلجوقی در این دوره، بر عراق نیز تسلط داشتند، به نظر می‌رسد شناخت عملکرد مناصب شهری در این محدوده و بالاخص در شهر بغداد، بتواند به شناخت عملکرد آن مناصب در شهرهای دیگر نیز کمک کند. از این رو، در پژوهش پیش رو عراق و شهر بغداد نیز مورد توجه قرار گرفت.

این پژوهش با شناخت سه منصب از مناصب شهری در دوره سلجوقی، آن مناصب را مورد مطالعه قرار داده و به مناصب دینی که در شهرهای آن دوره حضور داشتند، نخواهد پرداخت. تشکیلات سیاسی سلجوقیان شامل سه بخش کشوری، نظامی و ایالتی بود.^۱ بخش اخیر خود به دو بخش کشوری و نظامی تقسیم می‌شد و مناصب مورد نظر پژوهش حاضر نمایندگان بخش کشوری تشکیلات ایالتی (رئیس و عامل) و نماینده بخش نظامی این تشکیلات (شِحنه) بودند.^۲ از آنجایی که گرایشات محلی منصب رئیس نسبت به شهری که به ریاست آن منصوب می‌شد بیشتر از عامل و شِحنه بود، شاید شایسته آن باشد که منصب رئیس را تنها از آن جهت نماینده تشکیلات ایالتی بدانیم که مشروعیت سیاسی خود را وام‌دار انتصاب از جانب سلطان بود.

مناصب رئیس، عامل و شِحنه اداره شهر را بر عهده داشتند و از حکومت مرکزی و یا والی انتظار می‌رفت که در نخستین گام‌ها برای سامان دادن به امور یک شهر، افراد مستعد را جهت واگذاری این مناصب و برپایی دیوان‌های مربوط به آنها، منصوب نمایند.^۳ با توجه به ویژگی‌ها، وظایف و کارکردهای مناصب رئیس، عامل و شِحنه، به نظر می‌رسد این مناصب، از یک سو در ارتباط تا حدی

۱. کلوزنر، دیوان‌سالاری در عهد سلجوقی، صص ۲۴-۳۲

۲. همان، صص ۳۱ و ۳۲

۳. اتابک جوینی، عتبه الکتبه، ص ۶۸.

مستقیم با رعایا قرار داشتند و از سوی دیگر با همکاری با یکدیگر^۱ و نیز با همکاری با سایر مناصب شهری مانند مناصب دینی^۲، توانستند صورتی مستقل از اداره شهر ارائه دهند که در آن، تحصیل عایدات جهت حکومت مرکزی و ترفیه رعایا، هر دو در کنار هم حاصل می‌شد. بدین ترتیب قلمرو پژوهش حاضر، مطالعه سه منصب مذکور در شهرهای ایرانی دوره سلجوقی می‌باشد.

۱-۶. موانع پژوهش:

از آنجایی که منابع دوره سلجوقی اطلاعات پراکنده‌ای درباره مناصب شهری به دست می‌دهند، این امر یکی از مشکلات پژوهش در حوزه مناصب شهری بشمار می‌رود. همچنین با توجه به شرایط خاص اسناد دیوانی دوره سلجوقی، موانعی بر سر راه مطالعه آن اسناد ایجاد شده‌است. اسناد موجود که نسخه‌های رونویسی شده از اصل فرمان‌ها و حکم‌های صادر شده‌اند، با هدف آموزش نحوه نگارش فرمان دیوانی به دبیران مبتدی تدوین شده‌اند و بنابراین حفظ فرمان‌ها هدف جامع اسناد نبوده‌است. بدین ترتیب وی لزومی برای حفظ نام افرادی که فرمان‌ها و یا نامه‌ها خطاب به آنها صادر شده‌بودند، ندیده‌است. چنانکه در بسیاری از موارد، فرمان و نامه‌ها فاقد نام می‌باشند. این امر ابعادی از پژوهش درباره مناصب شهری را همچنان برای پژوهشگر تاریک می‌گذارد. در مواردی نیز جامع اسناد، آنها را خلاصه و کوتاه کرده‌است و یا در مواردی دیگر فرمانی را به فرمان دیگر متصل نموده، فارغ از اینکه آن دو فرمان از نظر محتوایی به هم مرتبط نبوده‌اند. اگرچه این مشکلات، موانعی را بر سر راه شناخت ویژگی‌ها و فهم عملکرد مناصب شهری ایجاد کرده‌است، اما به نظر می‌رسد که در حوزه وظایف مناصب شهری و روابط آن مناصب با یکدیگر، دخل و تصرف کمتری صورت گرفته‌است. چنانکه مقایسه وظایف هر منصب و رابطه میان آن با مناصب دیگر در چند فرمان مختلف که هر کدام

۱. در فرمانی که جهت واگذاری عمل ناحیه‌ای صادر شده‌بود، بر همکاری منصب رئیس، عامل و شیخه در راستای تحصیل عایدات و اداره شهر تأکید شده‌است. میهنی، آیین دبیری، ص ۷۹. همچنین در فرمان دیگری که برای تفویض منصب شیخه صادر شده‌بود، به همکاری این سه منصب جهت تأمین امنیت شهر و اداره آن اشاره شده‌است. همان، ص ۸۰. برای ملاحظه تفصیل این فرمان‌ها به سندهای شماره ۵ در پیوست دوم و پیوست سوم مراجعه کنید.

۲. در حکمی که جهت تفویض نیابت تولیت دیوان اوقاف گرگان به خواجه عمید ضیاء الدین صادر شده‌بود، از منصب رئیس و منصب شیخه خواسته شده‌بود که با نایب متولی اوقاف همکاری نمایند. اتابک جوینی، عتبه‌الکتبه، ص ۵۳. همچنین در فرمان دیگری که در سفارش یکی از ائمه و خطاب به رؤسا، عاملان و شحنگان ممالک عراق، خراسان و ماوراءالنهر و غزنه صادر شد، از آن مناصب خواسته شده‌بود تا جهت عقد مجالس نظر و عطا، علوم شرعی و وعظ و تذکیر در آن سرزمین‌ها، با آن امام نهایت همکاری را نمایند. نیک‌طبع، منشآت دیوان سلاطین ماضی، مکتوب ۳۲.

در یکی از مجموعه سندهای این دوره موجود است، یکسان بودن وظایف هر منصب و رابطه آن منصب با مناصب دیگر را در فرمان‌های مختلف به طور نسبی تأیید می‌کند.

۱-۷. تعریف مفاهیم:

در پژوهش حاضر، سه عبارت «گروه‌های شهری»، «نخبگان محلی» و «والی - اقطاع‌دار»، مفاهیمی هستند که نیازمند توضیح می‌باشند. در اینجا به تعریف این مفاهیم می‌پردازیم. «گروه‌های شهری»؛ دارندگان سرمایه‌های پولی (قشر بازرگان و تاجر) و صاحبان تولیدات خرده کالایی (قشر پیشه‌ور) بودند که از نیمه قرن چهارم تا اواخر قرن پنجم هجری قمری در جریان رشد و تکامل بخش تجاری در شهرها و شکوفایی بخش تولید خرده کالایی، به یکی از تأمین‌کنندگان هزینه‌های عمومی حکومت تبدیل شده و امکان تأثیرگذاری بر قدرت سیاسی را پیدا کردند. در این دوره، گروه‌های شهری به عنوان یکی از مبانی اجتماعی قدرت سیاسی در کنار گروه‌های کوچرو و گروه‌های وابسته به اقتصاد زراعی در تعدیل معادلات درونی حکومت نقش داشتند.^۱ «نخبگان محلی»؛ گروهی از خاندان‌های محلی یک شهر بشمار می‌رفتند. که متمول و گسترده بوده و گرایشات زمین‌داری، تجاری و دینی داشتند. این خاندان‌ها برای دوره‌های طولانی، تسلط نسبی خود را بر شهری که در آن زندگی می‌کردند، اعمال می‌نمودند.^۲ این خاندان‌ها که قدرت سیاسی و دینی شهر را در انحصار خود داشتند، در غالب موارد، به اتصال مصاهرت در درون خود و میان یک خاندان با خاندان دیگر تمایل نشان می‌دادند.^۳ شایان ذکر است که خاندان‌های محلی که دبیران و منشیان از آن خاندان‌ها برگزیده می‌شدند، از نخبگان محلی نبوده و تنها پیشینه دبیری داشتند.^۴ «والی - اقطاع‌دار»؛ والی نماینده حکومت مرکزی در یک ایالت بشمار می‌رفت. از سوی دیگر، اقطاع‌دار فردی بود که ناحیه‌ای از سوی حکومت مرکزی به او واگذار شده بود، اما وی نمایندگی سیاسی از جانب حکومت مرکزی در آن ناحیه نداشت. در مواردی، والی اقطاعی از سوی حکومت مرکزی دریافت می‌نمود و بدین ترتیب نه تنها والی یک ایالت باقی می‌ماند، بلکه اقطاع‌دار ناحیه دیگری نیز بشمار می‌رفت. در چنین شرایطی اصطلاح والی - اقطاع‌دار برای یک نفر والی کاربرد داشت.

۱. یوسفی‌فر، «تأملی در مقوله شکل شهر و مناسبات شهرنشینی در سده‌های میانه تاریخ ایران»، صص ۲۳۰ و ۲۳۱.

2. Bulliet, *The patricians of Nishapur*, pp. 20.

3. *ibid*, pp. 26.

4. *ibid*, pp. 64-65.

۱-۸. پیشینه پژوهش:

به طور کلی پژوهش‌هایی که دربارهٔ مناصب شهری دورهٔ سلجوقی، بر اساس اسناد و منابع انجام شده، به شرح هر آنچه مرتبط با مناصب شهری بود، پرداخته‌است. به نظر می‌رسد پراکنده بودن اطلاعات مربوط به این مناصب در منابع این دوره و شباهت‌های کلی وظایف آن مناصب به مناصب بالادستیشان که در فرمان‌های صادر شده جهت تفویض آن مناصب در این دوره وجود داشت، موجب شد تا این مناصب تنها به عنوان بخش‌های خرد ساختار اداری حکومت سلجوقی، به نحوی مختصر و در حاشیهٔ مناصب دیگر مورد مطالعه قرار گیرند و آن جنبه از نقش آنها که به ادارهٔ جامعهٔ شهری دورهٔ سلجوقی بازمی‌گشت، مغفول بماند.

از میان پژوهشگران تاریخ دورهٔ میانهٔ ایران، آن. ک. اس. لمبتون بیشترین امعان نظر را به مناصب شهری داشته‌است. چنانکه در فصل «ساختار درونی امپراتوری سلجوقی»، در کتاب «تاریخ ایران» پژوهش دانشگاه کیمبریج^۱، این مناصب را مورد مطالعه قرار داده و وظایفی را که بر عهدهٔ آنها بود، برشمرده است. لمبتون این مناصب را به عنوان آخرین سطوح دیوانسالاری در دوره سلجوقی تبیین می‌کند.^۲ همچنین این پژوهشگر، در مقاله‌ای که دربارهٔ ساختار اداری حکومت سلطان سنجر در کتاب «سلجوقیان» و با عنوان «زاممداری سنجر بر پایه اسناد عتبه‌الکتبه» منتشر شده است^۳، به بررسی مناصب شهری که فرمان‌های تفویض آن مناصب در مجموعهٔ عتبه‌الکتبه جمع‌آوری شده بود، پرداخته‌است. این مجموعه که شامل فرمان‌های صادر شده از دیوان سلطان سنجر (حک. ۵۱۱-۵۵۲ هـ ق) و سلطان مسعود بن محمد (حک. ۵۲۹-۵۴۷ هـ ق) است، مبنای پژوهش لمبتون قرار گرفته و وی با بهره‌گیری از این فرمان‌ها کوشیده‌است تا با بررسی مناصب شهری این دوره، شناختی کلی از نظام اداری حکومت سلطان سنجر به دست دهد. لمبتون همچنین در مدخلی با عنوان «شهرها» که در «Encyclopaedia Iranica» منتشر شده، مناصب شهری را در طول تاریخ ایران بعد از اسلام مورد مطالعه قرار داده و به اجمال به مناصب شهری دورهٔ سلجوقی به عنوان دوره‌ای از تاریخ میانهٔ ایران

۱. بویل، تاریخ ایران؛ پژوهش دانشگاه کیمبریج، صص ۲۰۱-۲۶۹.

۲. این بررسی در کتاب «سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام» نیز که مجموعه‌ای از پژوهش‌های لمبتون دربارهٔ تاریخ اجتماعی و اقتصادی ایران در دورهٔ میانه است و سیر تحولات اجتماعی و اقتصادی را تا دوران معاصر دنبال می‌کند، عیناً منتشر شده‌است. لمبتون، سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام، صص ۹-۹۹.

۳. اصل این مقاله در بولتن مدرسه مطالعات آسیایی و آفریقایی (B.S.O.A.S.) منتشر شده‌است:

Lambton, A. K. S. (1957), «The Administration of Sanjar's Empire as Illustrated in the Atabat al-Kataba». London; Bulletin of the school of Oriental and African Studies. vol. 20. pp. 367-388.

ترجمهٔ این مقاله در کتاب سلجوقیان که مجموعه‌ای از مطالعات مستشرقان ترک‌شناس دربارهٔ روی کار آمدن و حکومت سلجوقیان می‌باشد، به چاپ رسیده‌است. باسورث و دیگران، سلجوقیان، صص ۳۱۰-۳۴۴.

پرداخته است.^۱ لمبتون در مدخلی دیگر در «Encyclopaedia of Islam» که به منصب شیخه اختصاص یافته، با توجه خاص به ویژگی‌ها و وظایف این منصب در دوره سلجوقی، شیخه را مورد بررسی قرار داده است.^۲

علاوه بر لمبتون، کلیفورد ادموند باسورث نیز مناصب شهری دوره سلجوقی را مورد توجه قرار داده است. در فصلی با عنوان «تشکیلات دیوانی، اجتماعی و اقتصادی» که در کتاب «سلجوقیان» موجود است، باسورث اشاراتی به مناصب شهری این دوره می‌نماید که محتوای آن تا حدی با آنچه لمبتون در تحقیقات خود به دست می‌دهد، یکسان است.^۳ همچنین وی، به صورت جداگانه، در بخش دوم مدخلی در «Encyclopaedia of Islam» که به منصب رئیس اختصاص یافته، ویژگی‌های این منصب را در شرق جهان اسلام به اجمال شرح داده است.^۴

به غیر از پژوهش‌های لمبتون و باسورث، ریچارد بولیت نیز در کتاب «The patricians of Nishapur» برخی از مناصب شهری مانند رئیس و بویژه مناصب دینی را در شهر نیشابور مورد مطالعه قرار داده است. بولیت از منظر گرایشات محلی صاحبان مناصب شهری مانند وابستگی آنها به نخبگان محلی که خاندان‌های متمول، قدیمی و مهم شهر بشمار می‌رفتند، به بررسی قدرت سیاسی آن نخبگان در شهر به عنوان واحدهای اجرایی شهری، پرداخته است.

بدین ترتیب، بررسی‌ها و مطالعاتی که تا به حال درباره مناصب شهری در دوره سلجوقی صورت گرفته است، به نحوی مستقل به این مناصب پرداخته‌اند. اهمیت پژوهش حاضر در شناخت سه منصب (رئیس - عامل - شیخه) به عنوان مناصبی است که اداره شهر دوره سلجوقی را بر عهده داشتند. از سوی دیگر، این پژوهش بر آنست تا با بررسی وظایف و کارکردهای این مناصب میزان تأثیرگذاری آنها را بر رشد نهادهای محلی در جامعه شهری دوره سلجوقی نشان دهد.

۹-۱. روش اجرای پژوهش:

برای انجام پژوهش حاضر از روش تحقیقی - تاریخی بهره گرفته شده است. در مرحله نخست، مطالعه منابع و اسناد مرتبط با موضوع که در جستجوی کتابخانه‌ای شناسایی شده‌بودند، انجام گرفت و اسامی

1. Lambton, «Cities», pp. 603- 623.

2. Lambton, «Shihna», pp. 437- 438.

۳. اصل این بررسی در قالب بخشی ذیل مدخل saldjukids در encyclopaedia of islam منتشر شده است:

Bosworth, C.E., « Administrative, social and economic History».The encyclopaedia of Islam. vol VIII. pp. 953-959.

ترجمه این مدخل و بخش‌های آن در کتاب سلجوقیان به چاپ رسیده است. آژند، سلجوقیان، صص ۱۳۲ - ۱۵۶.

4. Bosworth, «Ra'is», p. 403.

مناصب شهری استخراج گردید. در مرحله دوم، از اطلاعات مربوط به مناصب شهری در منابع و فرمان‌ها یادداشت‌برداری شد. مرحله سوم، به پردازش داده‌ها اختصاص پیدا کرد و طی آن امکان فهم ساختار عملکرد مناصب شهری بوجود آمد. در مرحله چهارم مطالب پردازش شده در قالب فصول مختلف پژوهش حاضر تألیف شد.

۱-۱۰. نگاهی به منابع، اسناد و پژوهش‌ها:

علاوه بر منابع تاریخی که به شکلی پراکنده به مناصب شهری پرداخته‌اند، مجموعه سندهایی نیز در دست است که شامل فرمان‌های صادر شده از دیوان سلاطین سلجوقی و یا نمایندگان آنها می‌باشد. این فرمان‌ها که جهت تفویض مناصب شهری صادر شده‌بود، از آنجایی که مشتمل بر برخی از ویژگی‌ها و وظایف مناصب شهری بود و نیز به چگونگی رابطه آن مناصب با یکدیگر می‌پرداخت، امکان شناخت ابعاد مختلف مناصب شهری را به طور نسبی فراهم کرد. همچنین پژوهشگران معاصر، اگرچه از منظر متفاوت از منظر پژوهش حاضر به مناصب شهری پرداخته‌اند، اما تألیفات ارزشمندی در این حوزه به دست داده‌اند. در اینجا بر آنیم تا به بررسی منابع و مجموعه سندهای این دوره که مرتبط با مناصب شهری است و نیز تألیفاتی که درباره آن مناصب تحریر شده‌است، بپردازیم.

۱-۱۰-۱. منابع:

در اینجا به منابعی که بنیان پژوهش حاضر بر آنها استوار است، می‌پردازیم.

الف) تاریخ بیهقی

کتاب «تاریخ بیهقی» اثر ارزشمند ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی است. وی منصب دبیری در دربار غزنوی (۳۶۶-۵۸۲ هـ ق) داشت و در میانه سال‌های ۴۴۱ تا ۴۴۴ هـ ق صاحب دیوان رسالت نیز شد.^۱

بیهقی در سال ۳۸۵ هـ ق در حارث‌آباد بیهق در خراسان به دنیا آمد و بعد از تعلم در نیشابور، در دیوان رسالت سلطان محمود غزنوی (متوفی ۴۲۱ هـ ق) به منصب دبیری رسید و از شاگردان بونصر مشکان، صاحب دیوان رسالت، گردید. بیهقی در مقام شاگردی بونصر مشکان به درجه‌ای رسید که

۱. ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی در دوره حکمرانی هفتمین امیر غزنوی، عزالدوله ابو منصور عبد الرشید بن محمود سبکتگین (۴۴۱-۴۴۴ هـ ق) صاحب دیوان رسالت بوده است. بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۱، ص ۱۶۳.

نامه‌هایی که جهت خلیفه و خانان ترکستان و ملوک اطراف فرستاده می‌شد، تحریر می‌کرد.^۱ موقعیت برجسته بیهقی در دیوان رسالت دسترسی او را به اسناد ارزشمند این دیوان فراهم کرد، اسنادی که کمتر دبیری در دیوان می‌توانست به آنها دست بیابد. این موقعیت ویژه و تمایل وی به ثبت تاریخ موجبات تألیف «تاریخ بیهقی» را فراهم کرد.

بیهقی در سال ۴۴۴ هـ ق به دنبال کشته شدن امیر عبدالرشید غزنوی (حک. ۴۴۱-۴۴۴ هـ ق) که ریاست دیوان رسالت او را برعهده داشت، دربند شد و بعد از آزادی از شغل دیوانی کناره‌گیری کرد. وی که پیش از این به مطالعه کتب معتبر تاریخی و ثبت وقایع روزانه پرداخته بود، در سن شصت و سه سالگی در سال ۴۴۸ هـ ق تدوین و نگارش اثر تاریخی خود را آغاز نمود و در سال ۴۷۰ هـ ق از دنیا رفت.

حاصل تدوین و نگارش ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی تألیفی شامل سی مجلد بود که «تاریخ ناصری» یا «تاریخ آل سبکتگین» نامیده شد، اما آنچه به دست ما رسیده است تنها شش مجلد از «تاریخ آل سبکتگین» می‌باشد که «تاریخ مسعودی» نام گرفت و به «تاریخ بیهقی» معروف شد. وقایعی که در این شش مجلد به آنها پرداخته شده است از روزگار سلطان مسعود (متوفی ۴۳۲ هـ ق) فرزند سلطان محمود غزنوی (متوفی ۴۲۱ هـ ق) آغاز می‌شود و با جنگ با ترکمانان، شکست دندانقان در سال ۴۳۱ هـ ق، استیلای سلطان طغرل سلجوقی (متوفی ۴۵۵ هـ ق) و حوادث ولایت خوارزم دنبال می‌گردد و به چیرگی سلجوقیان ختم می‌شود.

اهمیت «تاریخ بیهقی» در گروهی درجه اعتبار اخبار آن است. این اعتبار نه تنها تحت تأثیر دسترسی مؤلف به اسناد دیوان رسالت غزنوی که نیز به خاطر مطالعات تاریخی وی و تأکید و صداقت او بر تحریر وقایعی است که یا به چشم خود دیده و یا خبر آن را از افراد موثق شنیده است.^۳ «تاریخ بیهقی» از جهات دیگری نیز حایز اهمیت می‌باشد؛ یکم، داده‌های جغرافیایی که می‌تواند روشنگر ابهامات موجود در حوزه تقسیمات جغرافیای قدیم باشد. دوم، اطلاعات متنوع از چگونگی زندگانی مردم در دوره غزنوی (۳۶۶-۵۸۲ هـ ق). سوم، اشاره به نام تعدادی از شاعران پارسی‌گو و تازی‌گو و اشعار آنها و چهارم، بهره‌گیری از مجموعه بزرگی از امثال و حکم که برخی از آنها به ندرت در کتاب‌های دیگر آورده شده است.

۱. بیهقی، تاریخ بیهقی، ج ۲، ص ۴۴۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۸۷۴.

۳. همان، ج ۱، صص ۱۵۹ و ۲۲۰ و ۲۴۱ و ۲۷۱. ج ۳، صص ۸۸۶ و ۱۱۰۰.

«تاریخ بیهقی» از آن جهت مورد استفاده پژوهش حاضر قرار گرفت که توانست منظری از مناصب شهری را پیش از روی کار آمدن سلجوقیان ترسیم نماید و به شناخت پیوستگی نقش و کارکرد این مناصب از دوره غزنوی تا دوره سلجوقی کمک شایانی کند.

ب) تاریخ سلسله سلجوقی؛ زبدة النصرة و نخبة العصرة

«تاریخ سلسله سلجوقی» در واقع نتیجه نگارش سه نویسنده است که هر سه آنها در خدمت صاحب منصبان بزرگ خدمت کردند. نویسنده یکم کتاب، شرف الدین ابونصر انوشیروان بن خالد بن محمد کاشانی (ت. ۴۵۹- م. ۵۳۲ هـ ق) بود که رساله‌ای به نام «نفثة المصدور فی فتور زمان الصدور و صدور زمان الفتور» در احوال وزرای دوره سلجوقی نگاشت. وی که مناصب دیوانی خود را با تصدی خزانه سلطان محمد بن ملکشاه (حک. ۴۹۸- ۵۱۱ هـ ق) آغاز نمود^۱، به وزارت سلطان محمود بن محمد (حک. ۵۱۱- ۵۲۵ هـ ق) رسید^۲ و برای ده سال (۵۱۲- ۵۲۲ هـ ق) در این منصب باقی ماند. انوشیروان بعد از اینکه به خواست ابوالقاسم درگزینی وزیر سابق سلطان محمود برکنار شد به بغداد رفت و تا سال ۵۲۷ هـ ق عهده‌دار منصب وزارت خلیفه المسترشد بالله (متوفی ۵۲۹ هـ ق) بود. وی با آمدن سلطان مسعود بن محمد (حک. ۵۲۹- ۵۴۷ هـ ق) به بغداد، وزارت او را پذیرفت و از سال ۵۲۸ هـ ق تا سال ۵۳۰ هـ ق در آن منصب مشغول بود و بعد از آن دیگر به شغل دیوانی نپرداخت^۳. نویسنده دوم کتاب، ابو عبدالله محمد بن صفی الدین محمد بن حامد معروف به کاتب اصفهانی و یا عماد اصفهانی (ت. ۵۱۹- م. ۵۹۷ هـ ق) از فقیهان و ادیبان بزرگ اواخر قرن ششم هجری بود. عماد اصفهانی بعد از تکمیل آموخته‌های خود از علوم اسلامی در نظامیه بغداد^۴، در سال ۵۵۲ هـ ق به نیابت از ابن هبیره وزیر خلیفه المقتفی (متوفی ۵۵۵ هـ ق) به شهر واسط فرستاده شد^۵. وی بعد از مرگ ابن هبیره در سال ۵۶۰ هـ ق به دمشق رفت و در مدرسه عمادیه آن شهر به تدریس مشغول شد. عماد اصفهانی در سال ۵۷۰ هـ ق، منصب دارالانشاء صلاح الدین ایوبی را بر عهده گرفت و بعد از مرگ وی در سال ۵۷۹ هـ ق، عماد اصفهانی نیز از مناصب دیوانی دوری کرد. وی در همین سال

۱. بنداری، تاریخ سلسله سلجوقی، ص ۱۱۴.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. همان، ص شانزده.

۴. همان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.

۵. همان، ص ۳۰۶.